

■ در آغاز انقلاب اسلامی نقش مردم در حوزه مقبولیت و مشروعیت نظام اسلامی، از اصلی ترین نقاط نزاع و اختلاف نظری بود. بررسی نظرات رهبر انقلاب در این زمینه ثابت می‌کند ایشان نقش پررنگی برای مردم در مشروعیت‌دهی به نظام اسلامی قائلند و حتی صحبت از «مشروعیت دوگانه» می‌کنند. این در حالی است که برخی دیگر از متفکران اسلامی، نقشی برای مردم در محدوده مشروعیت قائل نیستند و تنها نقش مردم را در ایجاد مقبولیت به حکومت مورد بحث قرار می‌دهند

چگونه مردم‌سالاری دینی به عنوان یکی از میراث‌های انقلاب اسلامی مسیر پیشرفت کشور و مردم را هموار می‌کند؟

میدان جمهوری



نظری بود. بررسی نظرات رهبر انقلاب در این زمینه ثابت می‌کند که ایشان نقش پررنگی برای مردم در مشروعیت‌دهی به نظام اسلامی قائلند. این در حالی است که برخی دیگر از متفکران اسلامی، نقشی برای مردم در محدوده مشروعیت قائل نیستند و تنها نقش مردم را در ایجاد مقبولیت به حکومت مورد بحث قرار می‌دهند.

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مشروعیت صرفا محدود به شرایط حاکم نیست و ۳ ساحت دیگر از جمله غایات حکومت، نحوه تالسیس و استعمار حکومت و حتی کارآمدی مطرح است. این یکی از نوآوری‌ها در طرح مسأله مشروعیت در نظریه مردم‌سالاری دینی ولی فقیه است، بنابراین برخلاف آن تقسیف‌پندی سه‌گله‌مشروعیت‌مردمی، مشروعیت الهی و مشروعیت مردمی - الهی، که گروهی نظر رهبری را ذیل دسته سوم جا می‌دانند، باید گفت مشروعیت وجودی دو چندگانه نیست بلکه واحد است اما ساحت‌ها مختلفی در دربر می‌گیرد. رهبر انقلاب ۴ اسفند سال ۷۷ در سخنانی بیان داشتند: مردم تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده هستند و اگر مردم حکومتی را نخواستند، این حکومت در واقع پایه مشروعیت خودش را از دست داده است. نظر ما درباره مردم این است، بنابراین آن در متنظ هر انقلاب، هر حکومتی که برخلاف خواست مردم تشکیل شود، مشروعیت ندارد. در واقع نخستین مولفه هر حکومتی عنصر مشروعیت است و اگر مردم همراه نبوده‌اند یعنی از بعدنظری حکومت نباید تشکیل شودوفاقدولاجت قانونی و شرعی است.

همان‌طور که اشاره شده، از دیدگاه ایشان یک بعد مشروعیت مربوط به مردم است و بعد دیگر آن به دین و شرع برمی‌گردد. رهبر انقلاب همچنین در سخنان‌شان در سال ۸۲ در ایین باره توضیح دادند: اگر کسی که برای حکومت انتخاب می‌شود از تقوا و عدالت برخوردار نبود، همه مردم هم که بر او اتفاق کنند، از نظر اسلام این حکومت، حکومت نامشروعی است.

همان‌طور که اشاره شده، از دیدگاه ایشان یک بعد مشروعیت مربوط به مردم است و بعد دیگر آن به دین و شرع برمی‌گردد. رهبر انقلاب همچنین در سخنان‌شان در سال ۸۲ در ایین باره توضیح دادند: اگر کسی که برای حکومت انتخاب می‌شود از تقوا و عدالت برخوردار نبود، همه مردم هم که بر او اتفاق کنند، از نظر اسلام این حکومت، حکومت نامشروعی است.

■ **مردم‌سالاری دینی؛ پاسخی به مجهولات نظری انقلاب اسلامی**
۱۳۵۷ که با حضور توده‌های گسترده مردم به پیروزی رسید، از یک طرف و باورمندی امام خمینی(ره) به حضور و نقش مردم در انقلاب اسلامی کار آمد، علاوه بر اسلامیت اداره امور جامعه از طرف دیگر باعث شد تا نظامی که پس از انقلاب روی کار آمد، علاوه بر اسلامیت روی مفهوم «جمهوریت» نیز تاکید ورزد. با تشکیل حکومت جمهوری اسلامی، مباحث نظری گوناگونی از جانب جریان‌ات فکری متنوع پیرامون این حکومت جدید شکل گرفت. یکی از مباحث مورد مناقشه این بود که نقش و جایگاه مردم در حکومت چیست؟ نقش مردم در حوزه مقبولیت و مشروعیت نظام اسلامی یکی از اصلی ترین نقاط نزاع و اختلاف

مردم، در جهت تبیین ضرورت و اهمیت حضور مردم در سطح کلان حکومتداری صورت می‌گیرد، چرا که اگر رای مردم در اعمال حاکمیت اثرگذار نباشد، منجر به ناامیدی مردم از نقش آفرینی خویش در اداره جامعه می‌شود.

توجه به انتخاب مردم در انتخابات مختلف با هر خروجی که‌رای مردم داشته باشدو صیانت از نهادهای انتخابی و مهم دانستن رای مردم در شکل‌گیری این نهادها در دوره‌های مختلف از دیگر راهبردهای رهبر انقلاب در عرصه عملی تحقق جمهوریت نظام است. تضعیف این مولفه‌هاهمواره عامل نگرانی وهشدارهای ایشان بوده به‌نحوی که کاهش مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی دوره یازدهم باعث شد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیام خود به مراسم افتتاحیه این دوره از مجلس یکی از وظایف نمایندگان جدید را تلاش برای افزایش مشارکت مردم در انتخابات مشخص کنند.

همچنین بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی(ره)، نگاه ویژه‌ای به جایگاه مردم در حکومت اسلامی داشتند؛ نگاهی که امام را از بسیاری از حوزویان در این زمینه جدا می‌کرد. امر هم به ضرورت تن به شد در ترکیب دین و شرایط روز، نظام جمهوری اسلامی را پیشنهاد دهند. بررسی نگاه امام به نقش مردم در حکومت اسلامی نشان می‌دهد که برای ایشان مردم در کانون مرکزی قرار داشته و برخلاف تحلیل برخی جریان‌ات و افراد، امام از روی ناچاری و ضرورت تن به جمهوریت نظام ندانند. بنیانگذار جمهوری اسلامی در مقاطع

مختلف چه قبل و چه بعد از انقلاب در پاسخ به پرسش‌هایی درباره ماهیت نظام جمهوری اسلامی و چگونگی هم‌نشینی اسلام و جمهوریت سعی کردند این مفهوم را تبیین کنند. امام در سخنانی که قبل از انقلاب ایراد کردند، می‌فرماید: ما بنای بر این نداریم که یک تصمیمی بر ملت‌مان بگیریم. اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بگیریم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رای داد، ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تعالی به ما حق نداده

است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که به ملت‌مان چیزی را تحمیل کنیم. نکته مهمی که امام خمینی(ره) به عنوان مرجع تقلید مطرح شیعه در آن زمان و رهبر انقلاب اسلامی در این بخش از سخنان خود مورد اشاره قرار داده و در اندیشه سیاسی بحث‌های مهمی حول آن در جریان بوده و هنوز هم ادامه دارد، مسأله حقانیت و مقبولیت است. امام تاکید می‌کنند که حتی در صورت حق دانستن خودمان اجازه نداریم خود را بر مردم تحمیل کنیم و این مردم هستند که اجازه و اختیار دارند نوع حکومت خود و کسانی که بر آنها می‌خواهد حکومت کند را انتخاب کنند. امام به صراحت اعلام می‌کنند که اسلام اجازه نداده کسی خود را بر ملت تحمیل کند. امام خمینی(ره) در پاسخ به این پرسش که چه نوع حکومتی مدنظر شما است، پاسخ می‌دهند: ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آرای عمومی؛ شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما توسط خود مردم تعیین خواهد شد.

اسام نظام حکومتی ایران را جمهوری اسلامی ایران نامیده‌اند که حافظ استقلال و براساس موازین و قوانین اسلامی است

■ **امام خمینی(ره) نگاه ویژه‌ای به جایگاه مردم در حکومت اسلامی داشتند؛ نگاهی که امام را از بسیاری از حوزویان در این زمینه جدا می‌کرد. همین امر هم باعث شد در ترکیب دین و شرایط روز، نظام جمهوری اسلامی را پیشنهاد دهند. بررسی نگاه امام به نقش مردم در حکومت اسلامی نشان می‌دهد برای ایشان مردم در کانون مرکزی قرار داشته و برخلاف تحلیل برخی جریان‌ات و افراد، امام از روی ناچاری و ضرورت تن به جمهوریت نظام ندانند**

با چنین منطقی است که تناقض ادعایی میان اسلامیت و جمهوریت رفع می‌شود و اصل یکصدوفهتادوهفت قانون اساسی که ۲ عنصر اسلامیت و جمهوریت را عناصر بلا تغییر

نظام سیاسی موجود معرفی کرده است، معنا و مفهوم منطقی پیدا می‌کند. اراده جمهور ملت، در جریان انقلاب نظم کهن را فروریخت و نظمی نو جایگزین آن کرد. اراده‌ای که در نظم نوین و بر پایه قانون اساسی، سامان حیات سیاسی را بر رز و جمهوریت خود را معطوف به اسلامیت کرد. تا زمانی که اراده چنین جمهوری فوم و دوام داشته باشد، قانون اساسی و اصول و محتوای اسلامیت آن تضمین حیات و بقا به خود می‌گیرد. طبق اصول قانون اساسی هم ابتدائی

نظام سیاسی جدید و هم جریان امور و سازوکارهای آن منبعث از منطق و روح جمهوریت است. اصول ۵۶، ۵۷ و ۱۷۷ مبیین همین منطق جمهوریت و مردم‌سالاری است. در صورت‌بندی جمهوری اسلامی اگر اصل جمهوریت را اصلی ما تقدم و بنیادین هم ندانیم و برای آن قائل به موضوعیت نباشیم، حداقل آن است که جمهوریت برای اسلامیت، طریقت دارد و در این‌س حالت نیز قوام و بقای اسلامیت از منظر امام نظام وابسته به جمهوریت آن است. ۲۵ خرداد ۱۳۵۸ یعنی ۴ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره) در جمله تاریخی و مشهور خود جایگاه رای مردم در نظام تازه‌تاسیس جمهوری اسلامی را مشخص می‌کنند: «میزان رای ملت است.» این نوع نگاه امام باعث شده که در اندیشه بنیانگذار انقلاب اسلامی حفظ اسلامیت نظام بدون جمهوریت امکان‌پذیر نباشد.

■ **دشواری صیانت از جمهوریت**

یکی از نقاط عطف جمهوری اسلامی در تاریخ ۴۲ ساله‌اش را می‌توان انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ و حوادث و اتفاقات پس از آن که به فتنه ۸۸ معروف شد دانست. در این انتخابات بود که نامزد بازنده و طرفداران او و جناح حامی‌اش درخواست ابطال انتخابات برگزار می‌شدند که رهبر معظم انقلاب برگزاری مجدد آن را داشتند که رهبر معظم انقلاب با این خواسته شدت مخالفت ورزیدند. ۸۵درصدی مردم و حضور ۴۰میلیون نفر در پای صندوق‌های رای را به گفته رهبر معظم انقلاب باید به‌راستی نماد مردم‌سالاری دینی دانست اما حوادث پس از این انتخابات شکوهمند تبدیل به یکی از پیچیده‌ترین اتفاقات تاریخ جمهوری اسلامی شد. در این اتفاقات عنصر «جمهوریت» نظام مورد هجوم قرار گرفت. همین امر باعث شد تا دفاع از این عنصر حیاتی نظام اسلامی در رأس کنش‌های رهبر معظم انقلاب در آن بحیوحه قرار گیرد.

کلیدواژه «قلب» که از ماهه پیش از برگزاری انتخابات در رسانه‌های غربی و عوامل داخلی آنان تکرار می‌شد، از بروز ناآرامی‌ها و اعتراضاتی نسبت به نتایج انتخابات در صورت رای نیاوردن گزینه مطلوب‌شان خبر می‌داد. رسانه‌های حامی جریان‌های غیرگرا از پیش از انتخابات، شبیهات گوناگونی درباره صحت برگزاری انتخابات مطرح می‌کردند. همین امر منجر به این شد که با تشکیل «کمیته صیانت از آراء» توسط این جریان، بذری بی‌اعتمادی نسبت به نظام انتخاباتی

جمهوری اسلامی ایران در دل بخشی از جامعه کاشته شود. این کمیته غیرقانونی رسالت خود را جلوگیری از بروز هرگونه تخلف و تقلب در اجرای فرآیند انتخابات ریاست‌جمهوری بیان کرد.اصل تشکیل چنین نهادهی بیانگر بی‌اعتمادی به ساختارهای رسمی نظام برای جلوگیری از این اتفاقات بود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه یک هفته پس از برگزاری انتخابات، در ۲۹ خرداد ۸۸ باسب اهمیت اعتماد مردم به نظام جمهوری اسلامی و دلیل نقشه‌های دشمن برای تضعیف این اعتماد فرمودند: «دشمنان ملت ایران می‌دانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهد شد؛ وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد؛ آنها این را می‌خواهند؛ هدف دشمن این است، می‌خواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند؛ تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش به‌مراتب از آتش زدن بانک و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست.» در ادامه همین خطبه رهبر معظم انقلاب فرمودند: «بنده زیر بار بدعت‌های غیرقانونی نخواهم رفت. امروز اگر چارچوب‌های قانونی شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتی دیگر مصونیت نخواهد داشت. بالاخره در هر انتخاباتی بعضی برنده‌اند، بعضی

برنده نیستند؛ هیچ انتخاباتی دیگر مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت و مصونیت پیدا نخواهد کرد.»

همین امر نشان‌دهنده دفاع همه‌جانبه آیت‌الله خامنه‌ای از جمهور مردم و آرای آنان است. و نادیده گرفتن چارچوب‌های قانونی کنشور ا بدعتی می‌دانند که در برابر آن مقاومت خواهند کرد. حال نتیجه انتخابات هر چیزی و به نفع هر جریان سیاسی که می‌خواهد باشد، خواست و انتخاب مردم در اولویت قرار می‌گیرد.

حفاظت از آرای مردم و تشویق به مشارکت آنان در انتخابات‌ها و فرآیندهای سیاسی نظام فارغ از هر نتیجه‌ای که داشته باشد، سیره مقام معظم رهبری است. همان‌طور که ایشان سال ۸۸ در مقابل بدعت‌های غیرقانونی استنادی و از مصونیت مردم حمایت کردند، در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۷۶ نیز که جناح مخالف برنده انتخابات شده بود، ایشان همین روند را پی گرفتند. علی‌محمد بشارتی، وزیر کشور دولت ششم در گفت‌وگویی در پاسخ به این سؤال که «آیا اعلام نتایج آن انتخابات (خرداد۷۶) حائسیه‌هایی هم داشت؟» گفت: من در آن روزها شنیدم که یکی از آقایان، ساعتی قبل از اینکه تقریبا بر همه روشن شود که چه کسی پیروز انتخابات است، وقت می‌گیرد و خدمت آقا می‌رسد؛ با اینکه هیچ مسؤولیت رسمی هم در زمینه برگزاری انتخابات نداشتند است. در آن جلسه به ایشان گزارشی از نتیجه انتخابات می‌دهد و خواستار ابطال انتخابات می‌شود. آقا در پاسخ برخورد خیلی شدیدی با وی می‌کند که ظاهرا سابقه نداشته است. با این مضمون که چگونه به خودت اجازه می‌دهی این‌طور درباره نظام فکر کنی و تصمیم بگیری؟ اگر صیانت از آرای مردم ایران در انتخابات ۸۸ توسط رهبر انقلاب صورت نمی‌گرفت و ایشان تن به ابطال انتخابات می‌دادند، دیگر هیچ انتخاباتی در نظام

جمهوری اسلامی ایران در امان نبود و طرف بازنده می‌توانست ادعای تقلب و به تبع آن درخواست ابطال انتخابات کند. اهمیت این استاندارد در برابر بدعت ابطال انتخابات، ۴ سال بعد به‌طور واضح مشخص شد. یعنی زمانی که در انتخابات سال ۹۲ حسن روحانی که اتفاقا خود را منتقدان نظام سابق بود با درصد رای شکننده ۵۰/۷ درصد و تنها با ۲۵۰ هزار رای بیشتر از حد نصاب به مقام ریاست‌جمهوری برگزیده شد.

جمهوریت، تضمین اقتدار انقلاب

جبران این کاهش مشارکت‌ها به کارآمد کردن دولت و رسیدگی فوری‌تر به درخواست‌های توده مردم است.

بالتر از این، یک دولت انقلابی در تراز جمهوری اسلامی نباید مردم‌سالاری را فقط به حضور، بر ۴ سال یک بار برای ریاست‌جمهوری و مجلس تقلیل دهد. قانون اساسی برای مشارکت مستمر مردم در حکمرانی، تدابیر مصل‌ماندها دارد. غیر از اصل ۲۶ که اجازه تشکل به همه اصناف داده است، فصل هفتم مختص به شوراهاست. از جمله آن اصل ۱۰۴ است که به شوراهای قسط معروف شده است اما تقریبا همه متروک مانده است.طبق این اصل، صنوف متعدد از جمله دهقانان و کارگران در محیط کاری خود برای برنامه‌ریزی بهتر می‌توانند نقش‌آفرین باشند. فرض بفرمایید در واگذاری شرکت‌هایی مثل هفت‌تپه و هیکو و دشت مغان، کارگران هم نقش‌آفرین و ناظر و حتی سهام‌بر باشند (که بند ب سیاست‌های اصل ۴۴ مربوط به آن است) اما متأسفانه از ۱۳۱۷۵۴۰کارگاه کوچک با ۵۰۶ کارگر هست و بیش از ۳۰۰ هزار کارگاه متوسط و بزرگ وجود دارد.

طبق آمار وزارت کار ۹۰۸۳ تشکل کارگری در کل کارگاه‌ها وجود دارد.در واقع اگر فقط کارگاه‌های متوسط و بزرگ را در نظر بگیریم حدود ۳ درصد از کارگاه‌ها تشکل کارگری دارند! دولت انقلابی بایداین جمهوری اسلامی مستمر را برای کارگران، معلمان، کارمندان و احیا کند. مردم‌سالاری تراز انقلاب اسلامی شکل بگیرد و جمهوریت و مشارکت‌های حداکثری انتخابات هم تضمین شود.

منطقه هم حرفی از دموکراسی و انتخابات نمی‌زند!اما دولتی که بخواهد مقاومت کند و در مذاکرات و مجامع بین‌المللی از حقوق ملت دفاع کند، به مشارکت بالاتر و حمایت حداکثری ملت نیازمندتر است. هم بهانه دموکراسی را از آنها می‌گیرد، هم قدرت ملت را به رخ آنها می‌کشد.

رئیس‌جمهور پیروز انتخابات فقط ۹۲ ۰/۷ درصد بالاتر از نصف آرا را داشت و شکننده‌ترین رای منتخب را داشت؛ نماینده ۳۶۱۸ درصد کل واجدین شرایط بود اما غربی‌ها گفتند تا ورئیس‌جمهور اکثریت نیستی! چون بنای مقاومت نداشت! ۴- تضمین و جبران جمهوریت

اگر مشارکت مردم کاسته شد و حول ۵۰ درصد شد چه کنیم؟!

متأسفانه این اتفاق قبلا هم افتاده؛ سال۷۲ در انتخابات دولت

دوم سازندگی، مشارکت ۵۰/۷ درصد شد و رئیس‌جمهور ششم فقط نماینده ۳۱۹۱ درصد کل واجدین شرایط بود!

عوامل بسیاری بر این کاهش مشارکت اثر دارد و قطعا به شکل اتفاقی نمی‌تواند به معنی زوال مشروعیت نظام باشد، چنانکه در انتخابات هفتم تا دوازدهم ریاست‌جمهوری شاهد مشارکت‌های بالای ۷۰ درصد و حتی بالای ۸۰ درصدی بودیم. این بار نیز عواملی همچون ناکارآمدی دولت و برخی جهات دیگر در حکمرانی ممکن است مشارکت را به رتبه مطلوب جمهوری اسلامی نرساند. ناگامی‌ها و ناکارآمدی‌های دولت آقای روحانی قطعا سهم بالایی در این کاهش مشارکت دارد. مثلا طبق بررسی‌های آمار۱۶ ۴۲/۶ درصد افرادی که سال ۹۶ به ایشان رای دادند گفته‌اند قطعا در انتخابات ۱۴۰۰ شرکت نمی‌کنند(مركز افكارسنجي جهاد دانشگاهي)



حجت‌الاسلام محسن قزوينيان

استاد حوزه

۱- جایگاه خواست مردم در مکتب امام و رهبری

همه حکومت‌ها با حمایت مردم و اکثریت، قدرت بیشتری می‌گیرند. جمهوری اسلامی یک قدم بیشتر از این است: رای مردم در مشروعیت حکومت دخالت دارد. حکومت به زور یا تحمیلی، اسلامی نیست.

امام قاطع می‌فرمودند: «ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملت‌مان چیزی را تحمیل کنیم.» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۴)

سنگ زیرین جمهوریت، پذیرش حق تعیین سرنوشت برای مردم است. امام این را قبول داشت و آن را با حکم عقل ثابت می‌دانست. می‌فرمود: «باید بیشتر دست مردم باشد، این یک مسأله عقلی است. هر عقلی این مطلب را قبول دارد که مقدرات هر کسی باید دست خودش باشد.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۹۴) رهبر حکیم انقلاب هم تصریح دارند: «اگر مردم حکومتی را خواهند، این حکومت در واقع پایه مشروعیت خودش را از دست داده است. نظر ما درباره مردم این است.» (۷۷/۱۲/۴) باور ذهنی و قلبی این مبنا از سوی نیروهای وفادار به نظام، ساختار فکری و فرهنگی حفظ جمهوری اسلامی است. این تفکر قطعی امامین انقلاب است که بنیاد با تفکر و قرأت دیگری تعویض شود. رهبر انقلاب، جمهوری اسلامی و تکیه به رای مردم را «جزو دین» می‌دانند: «اگر انتخابات و مردم‌سالاری و تکیه به آرای مردم جزو دین نمی‌بود و از شریعت اسلامی